

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۵ اپریل ۲۰۱۷

"کاروشی" یا مرگ از شدت کار !

این روز ها و در شرایطی که بورژوازی زالو صفت ایران به کمک رژیم ددمنش حامی اش - جمهوری اسلامی - به کارگران دستمزدی سه تا چهار بار زیر خط فقر تحمیل نموده ، روزی نیست که خبری در ارتباط با بالا رفتن ساعات کار کارگران و اضافه کاری های باور نکردنی و یا مبادرت کارگران و زحمتکشان به شغل های دوم و حتی سوم به منظور برآمدن از پس هزینه های سرسام آور زندگی نشنویم. این شرایط ، نشان دهنده شدت فشار کار بر جسم و روح رنجبران می باشد.

کاهش دستمزد و حقوق زحمتکشان در بخش های مختلف، امروز به امری رایج در ایران تبدیل شده است و پرستاران که بخش بزرگی از آنان را زنان تشکیل می دهند ، از جمله اقشار زحمتکش جامعه هستند که از این لحاظ بیش از پیش تحت فشار قرار دارند. در همین رابطه می توان به سخنان رئیس سازمان پرستاری ایران در جریان یک مراسم در شهر اهواز استناد نمود که اعلام کرد: "در سال گذشته ۱۰ پرستار ایرانی در اثر سندروم «کاروشی» جان باخته اند".

کاروشی اصطلاحی است در زبان جاپانی برای توصیف فردی که بر اثر کار زیاد و فشاری که شدت کار بر قلب او وارد می کند جان می بازد. جان باختن ده پرستار در اثر شدت کار درست به دلیل آن است که حقوقی که در برابر کار سخت و طاقت فرسا به آن ها داده می شود کفاف زندگی شان را نمی کند و آن ها مجبور به اضافه کاری هستند. شنیدن خبر "جان دادن ۱۰ پرستار زحمتکش از شدت کار" بسیار دردناک است. اما گویا "در این زمانه که هر کس باز مانده از نان شب" شنیدن این خبر شاید کمتر کسی را حیرت زده نمود.

وقتی به این امر توجه کنیم که پرستاران مزبور نه بر اثر سرایت ویروس از بیمارانی که به مداوی آن ها پرداخته بودند و ابتلای به بیماری بلکه در نتیجه کار زیاد و ساعاتتمادی که در طول روز و هفته به کار مشغول بوده اند ، جان خود را از دست داده اند ، می توانیم درک کنیم که مرگ آن ها در اثر بیماری بوده است که سرمایه داران برای زحمتکشان جامعه ما به ارمغان آورده اند.

کارفرما ها ، در بیمارستان ها و مراکز پزشکی شرایط هولناکی برقرار ساخته اند. آن ها با دادن دستمزد های ناچیز - و اغلب اوقات دیر پرداخت کردن همان دستمزدهای ناچیز - پرستاران را مجبور به اضافه کاری های غیر قابل تحمل می کنند. همین واقعیت روشنگر آن ست که اگر کسانی که در مراکز پزشکی کار می کنند از جمله پرستاران از حقوق مکفی برخوردار بودند و می توانستند با حقوقی که می گیرند زندگی شان را تأمین نمایند ، دیگر نیازی به اضافه کاری و

یا مبادرت به شغل های دوم و گاه سوم و در این مسیر نداشتند و در شرایطی قرار نمی گرفتند که منجر به از دست دادن جان خود شوند.

خبیر جان باختن ده پرستار زحمتکش که قلب هر کارگر مبارز و انسان آزادیخواهی را به درد می آورد ، تا کنون در رسانه های جمهوری اسلامی کمتر انعکاسی داشته است. ولی اعلام این خبر از زبان رئیس سازمان پرستاری ایران بیانگر آن است که این اولین بار نیست که در واقعیت زندگی به دلیل شرایطی که بورژوازی دندان گرد ایران برای طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایجاد نموده ، انسان هایی زیر فشار کار ، امکان زندگی را از دست می دهند و جانشان فدای آزمندی پایان ناپذیر سرمایه داران می شود.

ممکن است چنین خبری در میان انبوه اخباری که در رابطه با خودکشی کارگران ، خود سوزی آن ها و یا مرگ کارگران بر اثر سوانح حین کار - که مسبب اصلی اکثر آن ها حرص و آز سرمایه داران می باشد - می شنویم زیاد به چشم نیاید ، اما در واقع این اخبار تنها نوک کوه یخ فلاکت ها و فجایع اجتماعی را نشان می دهد. چرا که خود کوه به همه بزرگی و هیبتش در فضای خفقانی که دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی جهت لاپوشانی جنایات سرمایه داران به وجود آورده ، از دید همگان پنهان مانده است.

وقتی کارفرما ها و دولت - که خود بزرگترین کارفرمای کشور است - حداقل دستمزد را سه و یا چهار بار زیر خط فقر تعیین می کنند - با توجه به رابطه تنگاتنگی که بین مزد حداقل با سایر دریافتی های کارگران وجود دارد - و در شرایطی که همین چندرغاز را هم سر ماه و یا در زمان بندی تعیین شده به کارگر نمی پردازند ، روشن است که کارگر مجبور است به اضافه کاری های باور نکردنی و یا پیدا کردن شغل های دوم و سوم روی آورد و با مایه گذاشتن هر چه بیشتر از جسم و روح خود بکوشد حداقل های زندگی خانواده اش را تأمین نماید. این امر به طور طبیعی ساعات کار روزانه را چنان فزونی بخشیده که دیگر ۸ ساعت کار در روز و یا چهل و چند ساعت کار در هفته به خاطره ای که مربوط به گذشته دور است ، تبدیل شده است.

در نظام ظالمانه سرمایه داری که نیروی کار نیز به کالا تبدیل می شود یعنی مورد خرید و فروش قرار می گیرد، سرمایه داران زمانی می توانند سود بالایی به جیب بزنند که بتوانند شدت استثمار کارگران را فزونی بخشند. بنابراین هر چه مدت کار روزانه کارگران طولانی تر و در همان حال مدت کار لازم برای تأمین مایحتاج زندگی آن ها کمتر شود، ارزش اضافه ای که نصیب سرمایه دار می شود، فزونی خواهد یافت. چنین وضعی به سرمایه دار امکان می دهد تا سود هر چه بیشتری به جیب بزنند. درست به همین دلیل هست که در تاریخ مبارزات طبقه کارگر پائین آوردن مدت روزانه کار همواره یکی از مطالبات اصلی کارگران بوده و کارگران در طول مبارزات وقفه ناپذیر خود سرانجام در مقطعی از تاریخ توانستند که ۸ ساعت کار در روز را بر نظام سرمایه داری تحمیل نمایند و در برخی از کشور ها حتی ساعات کار کمتری را قانونیت بخشند. اما به رغم این واقعیت و علی رغم این که در قانون کار در ایران نیز ۸ ساعت کار رسمیت دارد ، اما شاهدیم که سرمایه داران ما گستاخانه همه دستاوردهای مبارزات کارگران را زیر پای گذاشته و مدت کار روزانه را فزونی بخشیده اند. این وضع دردناک به خاطر شرایط خود ویژه ای است که اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور در اختیار طبقه حاکم قرار داده است. در سایه سرنیزه جمهوری اسلامی و شرایط خفقان وحشتناکی که این رژیم در جامعه به وجود آورده است، سرمایه داران امکان یافته اند تا مدت زمان کار روزانه را فزونی بخشیده و چنین بی محابا کارگران را در فقر و فلاکت رها سازند.

مرگ پرستاران بر اثر "کاروشی" و مرگ تعداد قابل توجهی از کارگران که در چهار گوشه کشور یا به خاطر شدت فشار کار روزانه قلب شان از حرکت باز می ماند یا خود به دلیل شرایطی که کارفرماها آفریده اند به زندگی خود پایان

می دهند ، زنگ خطر بزرگی را به صدا در می آورد و هوشداری است به کارگران سراسر کشور که برای زنده ماندن و برخورداری از حق زندگی باید اولاً کوتاه کردن مدت کار روزانه را در صدر مطالبات خود قرار دهند و ثانیاً مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را شدت بخشند. مبارزه برای نابودی نظم ظالمانه حاکم ضرورتی است انکار ناپذیر که خود زندگی آن را فریاد می زند.

همه اعتراضات و مبارزات توده های میلیونی کارگران ما باید در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی این سگ نگهبان نظام سرمایه داری حاکم کانالیزه گردد - که آزادی کارگران وابسته به نابودی آن هاست.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۳۸ ، پانزدهم اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۵